

## گزارش کامل نشست مرکز مطالعات خاورمیانه با دکتر حسین امیرعبداللهیان معاون وزارت

### خارجہ در مورد "تحولات عراق و ائتلاف بین المللی علیہ داعش"

روز پنجشنبه 17 مهرماه 1393، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه نشست را با حضور دکتر حسین امیرعبداللهیان معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجہ برگزار کرد. دکتر امیرعبداللهیان در حضور پژوهشگران مقیم و مهمان پژوهشکده و همچنین برخی از اساتید دانشگاه، دانشجویان دوره دکتری و کارشناسی ارشد از دانشگاه‌های مختلف تهران، درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات منطقه و همچنین مسائل منطقه‌ای از جمله بحران عراق سخنرانی کرد. دکتر کیهان برزگر رئیس پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه نیز مدیریت این نشست را برعهده داشت.

**دکتر کیهان برزگر:** بسم الله الرحمن الرحيم. سلام. بسیار ممنونم از اینکه در این پنج شنبه پاییزی تشریف آورده‌اید. امروز فرصت فوق العاده خوبی است که در خدمت آقای دکتر حسین امیرعبداللهیان، معاون محترم وزارت امور خارجہ جمهوری اسلامی ایران باشیم. البته، من برنامه را خدمت شما خواهم گفت ولی در ابتدا، اجازه بدهید آقای دکتر با شما سلام و احوالپرسی کنند و بعد از آن در خدمت شما باشیم.

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** بسم الله الرحمن الرحيم. سلام. خوشامد می‌گویم و از حضورتان در این نشست تشکر می‌کنم. امیدوارم امروز خیلی مصدع اوقاتتان نشوم و از جناب آقای دکتر برزگر خواهش کردم به جای اینکه بنده متکلم وحده باشم، علاقمند هستم سوالات، ابهامات و پرسش‌هایی را که شما عزیزان دارید، مطرح کنید؛ بنده مطالبی را درچارچوب نیازهای شما تا آنجا که بتوانم عرض خواهم کرد.

**دکتر کیهان برزگر:** ممنون. در ابتدا، اجازه دهید من آقای دکتر امیرعبداللهیان را به اختصار معرفی کنم و بعد فورمت جلسه را خدمتتان بگویم. دکتر حسین امیرعبداللهیان، معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجہ جمهوری اسلامی ایران و دانش آموخته کارشناسی ارشد و دکتری روابط بین الملل از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجہ و دانشگاه تهران هستند؛ به زبان‌های عربی و انگلیسی مسلط هستند و در طول یک دهه گذشته، پست‌های مهم سیاسی و اجرایی در منطقه داشته‌اند؛ مدیر کل خلیج فارس وزارت خارجہ، سفیر ایران

در بحرین، مسئول دفتر ویژه عراق در وزارت امور خارجه و بسیاری از پست‌های مختلف. فهم ایشان از مسائل خاورمیانه هم دانشگاهی است و هم اجرایی. به نظر من، مهم‌ترین ویژگی ایشان نگاه راهبردی به مسائل خاورمیانه از زاویه نقش فعال و قدرت جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، این بهترین فرصت است که شما دیدگاه‌هایتان را مطرح کنید؛ به ویژه پازل‌هایی که در ذهنتان یا رساله‌هایتان وجود دارند. آقای دکتر امیرعبداللهیان موافقت کرده‌اند که فورمت جلسه از همان ابتدا به صورت پرسش و پاسخ باشد. نخست، من سوالات خود را که درباره موضوعات جاری و منطقه می‌باشند و فکر می‌کنم پرسش‌های ضروری و همگانی مربوط به اوضاع جاری هستند، از آقای امیرعبداللهیان می‌پرسم. پس از آن، پرسش و پاسخ عمومی خواهیم داشت. اما قبل از اینکه من سوالات خود را بپرسم، اجازه دهید یک مقدمه کوتاهی را عرض کنم و آن مروری است بر برخی از نکات و نقطه نظرات آقای امیرعبداللهیان که ایشان در سخنرانی سال گذشته خود در این پژوهشکده اظهار کردند. از این طریق سعی می‌کنم تا پلی بین روندهای جاری سیاست خارجی ایران و کشورهای منطقه و نگاه‌های راهبردی از سال گذشته تا به امسال بزنم. نکته اول اینکه ایشان در سخنرانی سال گذشته خود نقش بازیگران منطقه‌ای به ویژه ترکیه و قطر را "شتابزده" توصیف کردند. امروز ما می‌بینیم که در واقع، این اتفاق تا حدود زیادی رخ داده و بحث‌های جدی این است که واقعا نقش قطر، ترکیه و حتی عربستان سعودی در مسائل منطقه‌ای چیست. نکته دومی که ایشان مطرح کردند، اهمیت بی‌بدیل حضور جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس‌های صلح ژنو برای حل بحران سوریه بود. می‌بینیم که تا امروز هیچ اتفاقی نیفتاده؛ یعنی از لحاظ راهبردی، این مساله معلوم شده که بدون مشارکت یک بازیگر مهم منطقه‌ای حل یک بحران منطقه‌ای عملی نیست. نکته سوم، نگاه راهبردی ایران به بحران سوریه بود و حتی یکی از گفته‌های ایشان که جنبه بین‌المللی پیدا کرد، این بود که حتی اگر روسیه در بحران سوریه کنار بکشد، جمهوری اسلامی ایران عقب نشینی نخواهد کرد؛ چرا که ما در مسائل منطقه‌ای راهبردی فکر می‌کنیم و واقعا مصمم هستیم دیدگاه خود را به جلو ببریم. اما مهم‌ترین نکته‌ای که ایشان مطرح کردند، ارتباط ارگانیک وقایع سوریه با مسائل تروریسم منطقه‌ای و بین‌المللی است. بنابراین، ما امروز می‌بینیم که نکات مطرح شده توسط آقای دکتر امیرعبداللهیان در آن سمینار به درستی تشخیص داده شد و در حال حاضر ما آنها را به گونه‌ای ملموس در عرصه منطقه مشاهده می‌کنیم.

به نظر من، این نکات حاوی چند درس مهم در حوزه دانشگاهی می‌باشد. نخست، وجود "تداوم" یا consistency در راهبرد سیاست خارجی ایران است و اینکه این گونه نیست هر آنچه کشورهای غربی بگویند،

الزاما درست باشد، بلکه در مسائل منطقه‌ای دیدگاه‌های منطقه‌ای نیز مهم هستند. دوم، نظرم‌های منطقه‌ای در شرایط انتقال سیاسی تعریف می‌شوند که در این میان، بازیگران باید پویا باشند و نقش‌های خود را با روند مسائل منطقه‌ای تنظیم کنند؛ سوم، بازیگران باید در دنبال کردن خطی واحد در ارتباط با منافع و امنیت ملی خود "مصمم" باشند؛ چهارم، بازیگران باید خطوط قرمز منافع و امنیت ملی خود را ترسیم کنند. به عنوان مثال، چند ماه پیش، من در مقاله‌ای برای یک مجله انگلیسی این نکته را مطرح کردم که حفظ تمامیت ارضی عراق، خط قرمز امنیت و منافع ملی ایران می‌باشد. اما سردبیر آن مجله گفت شما مطمئنید که چنین اصلی وجود دارد؛ یعنی غربی‌ها اصلا تصور نمی‌کردند که این خط قرمز امنیت ملی ایران می‌باشد. در واقع، اصول یک کشور از لحاظ ژئوپلیتیک ثابت هستند و آنچه قابل چانه زنی است، منافع می‌باشد. امروز این مساله را در ارتباط با مساله عراق دوباره می‌بینیم. به عنوان مثال، جابه‌جایی از مالکی به حیدر العبادی اتفاق افتاد، اما اصول حفظ شد. پنجم، متغیرهای سیاست خارجی همزمان تحت تأثیر مسائل ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک هستند و هر بازیگری سعی در دنبال کردن این دو به طور توأمان دارد. به عنوان نمونه، مساله استقلال حکومت منطقه‌ای کردستان عراق نشان داد که آن بیشتر به ماهیت رقابت ژئوپلیتیک در خاورمیانه بزرگ‌تر ارتباط دارد؛ این جوری هم نیست که یک منطقه تصمیم بگیرد کاری را انجام بدهد، بقیه هم رضایت دهند. در واقع، این نوع تناقضات مشاهده می‌شود. مهم‌تر از همه و نکته پایانی اینکه، هر بازیگر منطقه‌ای صاحب نقش و ادعا از همه ابزارهای قدرت ملی خود چه ژئوپلیتیک و چه ایدئولوژیک استفاده می‌کند تا منافع و امنیت خود را تأمین کند. کشور ما هم از این لحاظ استثناء نیست؛ اگر این نباشد، اشتباه است.

با این مقدمه اجازه دهید، من پرسش‌های خود را از آقای دکتر امیرعبداللهیان مطرح کنم. اولین و مهمترین پرسش که مربوط به موضوعات جاری می‌شود نگاه جمهوری اسلامی ایران به ائتلاف علیه داعش است و اینکه ایران این ائتلاف را چگونه تلقی می‌کند؛ یکجانبه، دوجانبه یا چندجانبه؟ البته اکنون آقای دکتر می‌توانند با مقدمه خود بحث را شروع کنند.

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** در ابتدا، من باید درباره ویژگی‌های تحولات در حال وقوع در منطقه غرب آسیا و حوزه خاورمیانه توضیح بدهم. نخستین ویژگی مهم این است که در بسیاری از موارد، غیرقابل پیش‌بینی، شتابزده و سریع و در مواردی، متعدد و خارج از کنترل همه بازیگران هستند. ویژگی دوم این است که این تحولات بازیگران غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران دولتی متعددی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

اگر دیروز این چالش در حوزه گروه‌های مرتبط با مقاومت علیه رژیم صهیونیستی از جمله حزب الله، حماس، جهاد اسلامی و دیگران بود، امروز حتی برخی از گروه‌های تروریستی با اسامی مانند جبهه النصره، احرار شام، داعش و ... در این حوزه نقش‌آفرینی و بازیگری می‌کنند. ویژگی سوم به ویژه در دو سال گذشته این است که اگر در گذشته، دولت‌ها در حوزه "دیپلماسی پنهان" از تروریسم به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کردند، امروز بسیاری از کشورها از تروریسم "آشکارا و به طور علنی" به عنوان "ابزار" استفاده می‌کنند. نمونه اخیر این ویژگی را در تحولات اخیر عراق می‌توان مشاهده کرد. رابطه ما و عراق رابطه‌ای "استراتژیک و راهبردی" است. ما به هیچ وجه اجازه نخواهیم داد که برخی طرف‌ها با استفاده از گروه‌های تروریستی بخواهند وضعیت را در عراق متحول کنند و امنیت ملی ما و امنیت منطقه را با چالش مواجه کنند.

با توجه به فهم ما از تحولات عراق، در رایزنی‌هایی که با مقامات منطقه داشتیم و گفتگوهایی که به طور غیرمستقیم با آمریکایی‌ها و به طور مستقیم، با برخی کشورهای غربی داشتیم، به این کشورها پیشنهاد کردیم که باید همزمان دو اقدام انجام داد: اقدام اول و فوری، آماده شدن برای مبارزه با تروریسم که امروز به نام داعش شکل گرفته و در بخشی از عراق نمود و بروز پیدا کرده است. همزمان با آن، روند سیاسی در عراق تکمیل شود. بالاخره، آنها حرف‌هایی درباره نخست وزیر عراق و آینده سیاسی این کشور داشتند. ولی جالب است که بدانید هم در سطح منطقه‌ای، هم در سطح کشورهای اروپایی و هم در سطح آمریکا، پاسخ‌هایی که دریافت کردیم، این بود که ما عجله‌ای برای مبارزه با داعش نداریم. حتی راجع به تکمیل روند سیاسی در عراق بعدا تصمیم خواهیم گرفت. واقعا، ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران به سرعت وارد شدیم و با فهم دقیق از ابعاد پنهانی این موضوع، هر اقدامی را که لازم بود، در راستای تأمین امنیت ملی حداکثری و منافع ملی خود و اجازه ندادن به اینکه تروریست‌ها بخواهند اوضاع را در عراق متحول کنند، انجام دادیم. حتی در حوزه عربی، برخی از کشورهایی که تصور می‌کردیم، آنها از اقدامات داعش نگران باشند، از اقدامات داعش در عراق در آن مقطع نگران نبودند؛ کشورهایی که همین الان، در این ائتلاف غیرقانونی حضور دارند و عمل می‌کنند. برخی از این کشورهایی که ما در مذاکرات رسمی‌مان به طور دوستانه به آنها گفتیم که از مسائل عجیب و تحولات جدید در منطقه ما این است که برخی از دوستان عرب ما در منطقه نسبت به تجاوز 51 روزه رژیم صهیونیستی به غزه هیچ اقدام جدی انجام نمی‌دهند. اما هواپیماهای همین کشورها در سه سال گذشته، در دو جنگ علیه دو کشور اسلامی در منطقه - با همه اختلاف دیدگاه‌هایی که داریم - یعنی لیبی و سوریه شرکت می‌کنند و نسبت

به این مشارکت هم افتخار می‌کنند. این‌ها اتفاقات جدیدی است که در حال وقوع است و من خیلی وارد این بحث‌ها نمی‌شوم و به سرعت از آنها عبور می‌کنم.

اما در خصوص سوالی که آقای دکتر کیهان برزگر پرسیدند، باید گفت که ما در آگاهی دادن به کشورهای غربی و کشورهای منطقه نسبت خطرات تروریسم در منطقه نقش مهمی را داشتیم و همچنان این نقش را ایفاء می‌کنیم. معتقد هستیم که همه کشورها برای مبارزه با تروریسم باید اقداماتی جدی، ملموس و هماهنگی را انجام بدهند؛ اما در چارچوب حقوق بین‌الملل و مصوبات سازمان ملل و نه با این رویه‌ای که الان دارد دنبال می‌شود. باید گفت که نسبت به این ائتلاف دو نگاه وجود دارد: یک نگاه خوش‌بینانه و یک نگاه بدبینانه. نگاه خوش‌بینانه که شاید طرفداران بسیاری داشته باشد، این است که آمریکا و برخی کشورها تصمیم گرفته‌اند که تروریسم را در منطقه در یک پروسه دو تا سه ساله یا کمتر یا بیشتر از بین ببرند. بسیاری ممکن است بگویند که دستشان درد نکند، کار خیلی خوبی را دارند انجام می‌دهند. اتفاقاً در افغانستان طالبان و در عراق صدام را از بین بردند، نتیجه آن هم برای ما شد. نگاه بدبینانه این است که آمریکا در پوشش این اقدامات راهبرد و اهداف پنهان خود را در منطقه دنبال می‌کند و همچنین، در پی تکمیل حلقه‌های مفقوده و ناموفق سیاست‌هایش می‌باشد. ما کدهایی داریم که این دومی به مراتب قوی‌تر از اولی است. اگر آمریکا می‌توانست با این روش‌ها موفق شود، الان باید مشکلی به نام تروریسم در افغانستان، پاکستان، یمن، عراق، سوریه و بخشی از لبنان وجود نداشت چون در همه این کشورها، آمریکایی‌ها به نوعی با حضور مستقیم یا غیرمستقیم خود نقش‌آفرینی کرده‌اند. آنچه آمریکا را وارد این عرصه می‌کند، اهداف پنهان خودش در این موضوع هست؛ کنفرانس پاریس را برگزار کرد؛ ممکن است برای برخی از شما این سوال مطرح باشد که چرا ما شرکت نکردیم. یک روز قبل از برگزاری کنفرانس، آنها رئیس کمیسیون دفاعی مجلس سنای فرانسه را که خانمی بود، به تهران فرستادند. ما حدود دو ساعت و نیم با همدیگر گفتگو داشتیم. اولاً وی توضیح داد که ما به عنوان فرانسه موافق شرکت ایران بودیم، اما فلان کشور شرط گذاشته تا ایران نباشد. ثانیاً وی گفت که ما بدون هماهنگی ایران نمی‌توانیم کاری انجام بدهیم، از شما می‌خواهیم راهکار ارائه بدهید که ما چه کنیم. اگر شما در کنفرانس بودید، چه می‌گفتید و چه کاری باید در این مجموعه انجام شود.

آن اقداماتی که برخی کشورها در عراق و سوریه دارند انجام می‌دهند که در خروجی کنفرانس پاریس شما می‌توانید ببینید، بخشی از اهداف آنها را روشن می‌کند. هیچ اشکالی ندارد که در این جمع آکادمیک

بگوئیم که ما با همه ملاحظات که نسبت به سیاست حسن همجواری‌مان با دوستانمان در حوزه خلیج فارس داریم، حضور امارات، قطر، عربستان سعودی و اردن در ائتلافی به رهبری آمریکا خیلی برای ما مفهوم نیست. هرکدام از این کشورها در حوزه مبارزه با تروریسم در کشورهای خود با چالش‌های بسیار جدی مواجه هستند که اگر بخواهند کار اساسی انجام دهند، اول باید از درون خودشان شروع بکنند. امروز، داعش یک خطر جدی است که عربستان سعودی را تهدید می‌کند. به همین دلیل، ملک عبدالله در دیدار با پیش از 31 سفیر که برای تسلیم استوارنامه خود رفته بودند، اعلام می‌کند که اگر اقدامی نشود، داعش تا یک ماه دیگر در اروپا و تا دو ماه دیگر در آمریکا است. گفتگوهای هم که من با آقای سعود الفیصل در عربستان سعودی داشتم، فضای جلسه تأیید می‌کرد که با همه تلاشی که عربستان سعودی برای حفظ امنیت کشور خود می‌کند، نگرانی‌اش از تروریسم، داعش، عقبه داعش، رسوب‌گذاری داعش و گروه‌های تروریستی در داخل عربستان سعودی به عنوان یک پایگاه اصلی رشد آنها، یک نگرانی جدی است. بنابراین، این کشورها اگر بخواهند با تروریسم مبارزه واقعی کنند، اول باید از خانه خودشان شروع کنند؛ نه از فلان منطقه در داخل سوریه.

روابط و مناسبات به گونه‌ای است که امروز آمریکا نمی‌تواند با همه هیاهو، با همه قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی که دارد، رأساً تصمیم بگیرد و عملیات ؛ ولو شده چند کشور کوچک مانند اردن، قطر و بحرین را باید با خود همراه کند و شعار دهد که ائتلاف علیه تروریسم دارد عمل می‌کند. آمریکا به این موضوع هم برای سیاست داخلی خود و هم در سطح بین‌المللی نیاز دارد. ، ما واقعا اسم آنچه را که اتفاق افتاده ائتلاف نمی‌گذاریم؛ اقدام یکجانبه، شتابزده و نسنجیده‌ای است که برای مصرف "داخلی" آمریکا طراحی شده است. من فراموش نمی‌کنم که شش ماه قبل از ورود آمریکایی‌ها به عراق برای سرنگونی صدام، معاون وزیر دفاع آمریکا به ترکیه سفر کرده بود. او می‌خواست ترک‌ها را متقاعد کند که آنها در ائتلاف جنگ علیه عراق شرکت نکنند. در آنجا، معاون وزیر دفاع آمریکا نکته‌ای را بیان کرد و گفت ما برای تغییر نظام در عراق همه گونه برنامه‌ریزی کرده‌ایم. حتی بعد از اینکه ما وارد بغداد شدیم، برای جمع‌آوری زباله‌های خیابان‌های بغداد طرح داریم؛ نیروهایی را سازماندهی کرده‌ایم که این کار را انجام دهند. اما بعد از اینکه آمریکایی‌ها وارد شدند، وضعیت آنها در عراق به جایی رسید که واقعا برای جمع‌آوری جنازه‌های سربازان آمریکایی از بعضی خیابان‌ها و کوچه‌های بغداد مشکل داشتند؛ یعنی از لحاظ امنیتی، آنها وحشت داشتند که تیم‌شان برود و جنازه را از آن منطقه خارج کند و به آمریکا منتقل کند. خبرنگاری از وزیر دفاع آمریکا پرسید که معاون شما هفت ماه پیش این حرف را در پایگاه اینجریلیک

ترکیه گفت. چگونه شما که ادعا می‌کردید حتی برای جمع‌آوری زباله‌های شهر بغداد پس از تصرف عراق برنامه دارید، با 170000 نیرو با چنین مشکلاتی مواجه شده‌اید و امروز این وضعیت در پایتخت عراق مشاهده می‌شود. وی به نکته قابل توجهی اشاره کرد؛ وی گفت «ما در برنامه‌ریزی‌هایمان تصور می‌کردیم 90 روز در بغداد با نیروهای صدام خواهیم جنگید. اما در روز بیستم بغداد سقوط کرد و ما 70 روز از برنامه‌مان عقب افتادیم و به 70 روز زمان نیاز داشتیم تا بتوانیم کارهایی را که قرار بود انجام بدهیم، انجام بدهیم».

واقعا در مرحله‌ای که آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند که عملیات نظامی در عراق و سوریه انجام بدهند، "طرح فریب" را اجرا کردند. بیانیه پاریس، بیانیه مبارزه با تروریسم و مبارزه با داعش در عراق بود. اما اقدامی که الان دارند انجام می‌دهند، بیش از عراق متوجه سوریه می‌باشد. نکته دوم اینکه بر مبنای طراحی‌هایی که دارد انجام می‌شود، سعی می‌شود تا نگاه تغییر نظام در سوریه که از سه و نیم سال پیش توسط برخی از کشورهای منطقه و برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا دنبال می‌شد، در این بازی تقویت شود. البته، تغییر اوضاع و احوال در منطقه بر موضوعات دیگری که با آن درگیر هستیم، یقیناً می‌تواند تأثیراتی را بگذارد.

بنابراین، می‌خواهم بگویم که ائتلاف با شاخص‌های یک ائتلاف بین‌المللی، واقعا ائتلاف نیست؛ تصمیم شتابزده، عجولانه و نمایشی آمریکاست. این را برای یک کنفرانس مطبوعاتی نمی‌گویم، با تمام وجود می‌گویم چون حتی برای بعد از بمباران‌ها، آمریکایی‌ها هیچ برنامه کوتاه مدتی را ندارند. آنها طی 10-12 سال گذشته فقط یک روش را یاد گرفته‌اند و سعی می‌کنند آن را در همه جا تست کنند. خرج که از کیسه مهمان بود، حاتم طایی شدن آسان بود. در گذشته، آمریکایی‌ها پول را از کشورهای عربی می‌گرفتند، حیثیت را از خودشان می‌گذاشتند. الان هم حیثیت را از کشورهای منطقه می‌گذارند و هم پول را از کشورهای منطقه می‌گیرند. بنابراین، خیلی راحت می‌توانند حاتم طایی بشوند. بنای آنها بر این است وقتی که نمی‌توانند اوضاع را تغییر بدهند، وقتی که نمی‌توانند اوضاع را مدیریت کنند، اوضاع را بهم بریزند. می‌گویند «ما می‌رویم اوضاع را بهم بریزیم، بعدا فرصت داریم تا برای ساماندهی این اوضاع فکری بکنیم». لذا، اقدامی که دارد انجام می‌شود، واقعا نسبت به اینکه اقدام علیه تروریسم باشد، تردید جدی وجود دارد. فریب دوم این است که نیروهای مرتبط با این جریان‌ها تروریستی از ساعت‌ها پیش از آنکه آمریکا حمله کند، منطقه را ترک کرده‌اند، به سرعت به روستاها و شهرها رفته‌اند، جذب جوامع شده و پنهان شده‌اند. آنها اصلا در رقه و حمص حضور ندارند، در برخی از مناطق عراق که دارد بمباران می‌شود، حضور ندارند. آمریکایی‌ها نسبت به منطقه‌ای که از آن اطلاعات دقیقی دارند و همچنین،

با ماهواره‌هایشان می‌بینند که در این منطقه اصلاً انسانی وجود ندارد، پالایشگاه‌های نفت آنجا را منهدم می‌کنند. لذا، ضمن اینکه این اقدام دارد انجام می‌شود، جمهوری اسلامی ایران نیز دارد تلاش می‌کند با حفظ اصول اقدامات آمریکا را تا جایی که می‌تواند با استفاده از نفوذ خود در منطقه مدیریت و کنترل کرده خساراتی را که به منطقه وارد می‌شود، به حداقل برساند. در عین حال، ما سعی می‌کنیم حرکتی را سامان دهیم که به ثبات و امنیت بیشتر در منطقه کمک کند.

**دکتر کیهان برزگر:** خیلی ممنونم. اجازه بدهید که دو سوال دیگر خود را مطرح کنم. سوال اولم این است که عربستان سعودی و ترکیه چه نقشی را در مسائل منطقه‌ای ایفاء می‌کنند؟ نگاه ما به نقش دو بازیگر منطقه‌ای چیست؟ به خصوص، عربستان سعودی که بازیگری عجیب و غریب می‌باشد؛ یعنی در سیاست‌های آن فراز و نشیب زیاد است. واقعا جمهوری اسلامی ایران چه برنامه‌ای برای این بازیگرها دارد؟ به هر حال، تحولات منطقه‌ای به نحوی نشان داد که همه بر اساس منافع و ارزش‌ها و نوع تاریخ حضورشان در منطقه به دنبال یک هدفی هستند. همین باعث شده که در ارتباط با مساله داعش در عراق و سوریه رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای پیچیده‌تر شود، چرا که به عنوان مثال، جایگاه عراق در منافع عربستان با جایگاه سوریه در منافع این کشور به گونه‌ای به یکدیگر وابسته شده است. واقعا چه ارتباطی میان بحران عراق و بحران سوریه وجود دارد و نقش عربستان سعودی و ترکیه در این زمینه چیست؟ سوال دیگر من درباره آینده بحران سوریه و نقشی است که جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد ایفاء کند. بحران سوریه الان به جایی رسیده که همه متوجه شده‌اند که این بحران برد و باخت زیادی برای هرکسی ندارد. در اینجا، نقش جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود که چگونه می‌خواهد از نقش و نفوذ خود در شرایط احتمال انتقال سیاسی در سوریه استفاده کند؟

**دکتر حسین امیرعبداللّه‌یان:** این پدیده جدید تروریستی که در منطقه ما شکل گرفته و اسم آن را داعش یا ISIS گذاشته‌اند، یک عقبه‌ای دارد؛ یک بخشی از آن به طرح‌ها و نگاه امنیتی برخی از دستگاه‌های امنیتی که در سطح منطقه وجود دارد، باز می‌گردد. دستگاه‌های امنیتی تلاش کردند تا در راستای اهدافی که در منطقه دنبال می‌کنند، از این گروه‌ها استفاده کنند. به طور مشخص، برای برخی از کشورهای منطقه و نیز بعضی کشورهای خارج از منطقه و آمریکا، "دو تغییر فوری و آنی در حوزه خاورمیانه" مهم بود؛ تغییر اول در عراق، نه صرفا تغییر نخست وزیر عراق، بلکه تغییر بنیادین اوضاع و احوال در عراق و تبدیل شدن عراق به کشوری بود که آمریکا در زمان اشغال این کشور دنبال می‌کرد. در واقع، الان می‌خواهد این نقص جبران شود. تغییر دوم در



داخل سوریه بود. در سطح جهان عرب نیز حساسیت‌هایی وجود داشت و آنها [برخی کشورهای خارج از منطقه] تلاش می‌کردند که بحث روابط ایرانی - عربی را به بدترین وضعیت خود سوق دهند. آنها سعی کردند تا دو چالش جدی برای ما ایجاد کنند: یک چالش در سطح جهان عرب به عنوان چالش ایرانی و عربی؛ گاهی اوقات، در برخی از مذاکرات صریح، برخی مقامات عرب به صراحت می‌گفتند ایران یک کشور عربی نیست؛ در لبنان، سوریه، عراق و کشورهای دیگر چه کار می‌کند. در واقع، در داخل جهان اسلام، آنها سعی کردند که به چالش شیعه و سنی دامن بزنند. چالش دوم این بود که بازیگران مقابل ما به منظور اجرایی کردن سیاست‌های خود در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای "بازیگران جدیدی" را وارد کار کردند. به دو اتفاق مهم نیز باید اشاره کرد. باید اعتراف کنم یک اتفاق مهمی که طی 2-3 سال گذشته، به آرامی - خوبی - در منطقه ما شکل گرفت، "مهندسی معکوس" بود. اتفاقاتی که در سوریه افتاد، مهندسی معکوس بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بود؛ یعنی بعد از اینکه دیدند اوضاع را نمی‌توانند کنترل کنند، تلاش کردند انقلابی تصنعی را با فراهم کردن و دامن زدن به بسترهایی در سوریه فراهم کنند برای اینکه محور مقاومت در منطقه فرو ریزد و دست ما کوتاه شود. بُرد آن در مساله هسته‌ای و در بسیاری از موضوعات دیگر می‌توانست تصیب‌شان شود. اتفاق دوم این بود که برخی از استراتژیست‌ها و متفکرین در داخل منطقه، از طریق لینک‌هایی که در خارج از منطقه و با کشورهای فرامنطقه‌ای داشتند، بررسی دقیقی کردند و گفتند که ابزارهای نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه چیست؟ چرا ده‌ها کشور عربی نمی‌توانند در مسأله فلسطین یک حرف قوی بزنند اما حزب الله به عنوان یک گروه توسط ایران حمایت می‌شود و مقامات ایران با افتخار و با صراحت می‌گویند ما از حزب الله حمایت می‌کنیم، ما تسهیلات نظامی در اختیار آن قرار می‌دهیم و ما از مقاومت در فلسطین حمایت می‌کنیم. چطور آنها این ابزارها را توانستند به کار گیرند و این اقدامات را انجام دهند. ما هم بیاییم چنین ابزارهایی را طراحی کنیم.

حتما شما در تحقیقاتتان به این واژه برخورد کرده‌اید که داعش می‌گوید من یک گروه "انقلابی" هستم و نه تروریستی. اصلا داعش فکر نمی‌کرد که بتواند طی سه روز، بر موصل تسلط پیدا کند - با توجه به ویژگی‌هایی که در ابتدا، من درباره تحولات منطقه ذکر کردم یعنی اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی، شتابزده، سریع و خارج از کنترل در واقع اتفاقاتی افتاد، خودشان هم از آن متعجب شدند. اما نکته من این است که داعش در عراق در روز سوم، به همه سفارتخانه‌های خارجی در این کشور و نیز سازمان‌های بین‌المللی موجود یادداشت رسمی داد.

در این یادداشت می‌گوید (1) ما تروریست نیستیم، بلکه گروه انقلابی هستیم؛ (2) ما برای نجات اهل سنت از دست شیعیان در عراق انقلاب کردیم؛ (3) هدف ما تغییر نظام سیاسی در عراق و احقاق حقوق اهل سنت است که پایتخت تاریخی خود را در عراق از دست داده‌اند؛ (4) از سازمان‌ها و نمایندگی‌های خارجی انتظار داریم که گزارش‌هایی صحیح درباره وضعیت ما به کشورهای خود مخابره کنید؛ (5) هیچ یک از اتباع خارجی مقیم بغداد مورد حمله ما قرار نخواهند گرفت مگر اینکه آنها به ما حمله کنند.

بنابراین، این پدیده‌ای نیست که یک شبه اتفاق افتاده باشد. برخی از کشورها و دستگاه‌های امنیتی در خارج از منطقه و در داخل منطقه - در بیرون از منطقه به طور روشن، آمریکا و چند کشور - با داعش ارتباط داشتند؛ آنها در سازماندهی‌شان سهم داشتند. زمانی که خانم کلینتون در نشست‌های علیه سوریه به اسم دوستان سوریه به صراحت اعلام می‌کرد که گروه‌های مخالف بشار اسد باید مسلح بشوند، بخشی از این برنامه‌ریزی بود که آنها داشتند انجام می‌دادند. اما "مهندسی معکوس" آن کجا بود؟ گفته می‌شود در برخی از مراکز، استراتژیست‌هایشان پیشنهاد کردند که حزب الله به عنوان یک گروه انقلابی در منطقه در اختیار ایران است، حزب الله یک گروه تأثیرگذار در لبنان است، پس باید گروه‌های تأثیرگذاری هم در جبهه مقابل باشند که بتوانند این نقش‌آفرینی را ایفاء کنند. در واقع، استفاده از این "مهندسی معکوس" نکته بسیار مهمی است. یکی از تحولات مهم منطقه در سه و نیم سال گذشته این بود که یک دفعه اخوان المسلمین از سیاه چاله‌ها بالا آمد و در در کشورهایمانند مصر و تونس به قدرت رسید و این موج همین طور ادامه پیدا می‌کرد. نمی‌خواهم وارد جزئیات بشوم که چه عواملی باعث شد تا هم اکنون این موج در مسیر موج دوم حرکت کند و متوقف نشود. اما نکته مهم اینجاست: برخی از دستگاه‌های امنیتی به اضافه استراتژیست‌ها در منطقه و خارج از منطقه گفتند که باید چاره اندیشی کنیم؛ این نمی‌شود که یک دفعه جریانی مثل اخوان المسلمین به صورت موجی عظیم همه نظام‌ها و رژیم‌ها را فرو بریزد. آنها در طراحی‌های خود گفتند ما باید [آن نوع] جریانات سیاسی را راه بیندازیم که اگر خواسته و ناخواسته قرار شد نظام‌های دموکراتیک در این کشورها فردا روی کار بیایند، آدم‌های مرتبط با ما بتوانند در روندهای انتخاباتی به قدرت رسند و اتفاقاً این آدم‌های مرتبط با ما مثل اخوان المسلمین که با جهان غرب ارتباط خوب و تاریخی داشتند، باید این ارتباط خوب و تاریخی را حفظ بکنند.

در خصوص نقش ترکیه در منطقه باید گفت که ما با دوستان خود در منطقه حتی دوستانی مانند ترکیه - که با آنها "رابطه‌ای استراتژیک" داریم - در ارتباط با یک موضوع، تفاوت دیدگاه داریم و آن موضوع سوریه است. در

رابطه با مساله سوریه، ما با یکدیگر مشترکات و نیز یک نقطه تعارض جدی داریم. نقطه تعارض ما با ترکیه این است که ترکیه می‌گوید آقای بشار اسد باید برود. از ابتدا، ما به دوستان ترک و منطقه‌ایمان گفته‌ایم اینکه بشار اسد باید برود یا نرود، نه به ما مربوط است نه به شما و نه به آمریکا؛ این به مردم سوریه مربوط است. ما اگر می‌خواهیم خیلی دموکراتیک و انسان دوستانه رفتار کنیم و دلمان برای آوارگان و مردم سوریه می‌سوزد، باید بستری را فراهم کنیم که اولاً آوارگان به زندگی‌شان برگردند و ثانیاً، در یک شرایط آرام مردم سوریه انتخاب کنند.

همچنین، در ارتباط با نقش ایران در بحران سوریه باید گفت که ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران واقعا به دنبال این نیستیم که آقای بشار اسد به عنوان رئیس جمهور مادام‌العمر در سوریه باقی بماند. اما اجازه نمی‌دهیم که تروریست‌ها یک متحدان را در محور مقاومت سرنگون کنند. اگر ائتلاف خطا کند، از مسیر مبارزه با داعش و تروریسم فلش خود را به سمت تغییر نظام سیاسی در سوریه برگرداند، با تبعات سنگینی مواجه خواهد شد. این پیام به آمریکایی‌ها به خوبی منتقل شده که هرگونه شیطنت و رفتار خاص که باعث تغییر در اوضاع و احوال بنیادین سوریه شود، حتما تبعات سختی را برای ائتلاف در پی خواهد داشت. اگر قرار باشد مبارزه و شعار علیه تروریسم به پیگیری سیاست قبلی تغییر نظام سوریه - با استفاده از بهانه و ابزار مبارزه با تروریسم - منجر شود، رژیم صهیونیستی نیز امنیت نخواهد داشت. اصلاً نیازی نیست که ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران بخواهیم این کار را انجام دهیم؛ ما در حوزه نفوذمان هر اقدامی را که لازم بدانیم انجام می‌دهیم؛ در چارچوب حقوق بین‌الملل، هر اقدامی را که بتوانیم انجام می‌دهیم؛ در دفاع از متحدانمان هر اقدامی را که لازم باشد، انجام می‌دهیم. آن قدر جریان‌ات متنوعی در منطقه وجود دارند که کوچک‌ترین خطای راهبردی و استراتژیک آمریکا در تغییر هدف از مبارزه با تروریسم به سمت دیگر هم می‌تواند آمریکا را با چالش‌های جدی مواجه کند و هم می‌تواند رژیم صهیونیستی و تل‌آویو را با شرایط غیرقابل پیش‌بینی مواجه بکند. با سیاست فریب و با شعار مبارزه با تروریسم اهداف پشت پرده قبلی آمریکا نمی‌تواند دنبال شود و در منطقه ما تحقق پیدا کند.

علاوه بر اینکه بخشی از آنچه در منطقه می‌گذرد، به حوزه مقاومت و نگاه ارزشی جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد، ارتباط مستقیم با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز دارد و ما در امنیت ملی‌مان با هیچ طرفی شوخی نخواهیم داشت. برخی از دوستان ما در منطقه در شکل‌گیری جریان‌ات تروریستی و داعش که امروز با آنها دارند مبارزه می‌کنند، نقش داشتند. از ابتدا، ما در گفتگوهای صریح خود به دوستانمان در منطقه

متذکر شدیم که این گروه‌هایی که امروز ابزاری برای شما هستند و فکر می‌کنید با این‌ها بشار اسد را می‌توانید سرنگون کنید، فردا بلای جان خود شما در منطقه خواهند شد و امروز، شما می‌بینید شرایط در منطقه به چه شکلی است.

واقعا سیاست و نگاه ما به سوریه این است که مردم سوریه باید تصمیم بگیرند. مردم سوریه باید بستری را ببینند که در فضای دموکراتیک نسبت به سرنوشت سیاسی و آینده کشور خود تصمیم بگیرند. هر تصمیمی که مردم سوریه بگیرند، مورد قبول ما است اما هر تصمیمی که از مسیر تروریست‌ها یا دشمنان منطقه و یا کسانی که به بهانه مبارزه با تروریسم وارد منطقه ما شده‌اند، بگذرد، حتما با یک "مقابله جدی منطقه‌ای" همراه خواهد بود.

**دکتر کیهان برزگر:** خیلی ممنونم. اکنون حضار محترم می‌توانند سوالات خود را از آقای دکتر امیرعبداللهیان بپرسند. اما لطفا اول خود را معرفی کنید.

**سوال:** سید مرتضی کاظمی دینان هستم، دانشجوی دکتری روابط بین الملل در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد. همان طور که می‌دانیم در سال‌های اخیر، بازیگران سیاسی غیردولتی در خاورمیانه فعال شده‌اند: حوثی‌ها در یمن، الوفاق در بحرین و داعش در عراق و سوریه. آیا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک راهبرد مدون و از پیش تعیین شده‌ای در قبال این بازیگران وجود دارد و یا نه اقتضایی و بنا بر تحولات و شرایطی که پیش می‌آید، اقدامی اتخاذ می‌شود؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** پیش از پاسخ به سوالات، ذکر نکته‌ای ضروری است. زمانی که آمریکایی‌ها تصمیم به اقدام در سوریه و عراق گرفتند، به ما پیام دادند و گفتند که ما هیچ برنامه‌ای برای زدن مراکز حکومتی در سوریه نداریم، هیچ کاری با آقای بشار اسد نداریم و فقط داعش و گروه‌های تروریستی را هدف قرار می‌دهیم. پیام مشابهی هم برای آقای اسد فرستاده شد. اما ما با سابقه‌ای که از آمریکایی‌ها داریم و با رفتاری که از آنها می‌بینیم، در این حوزه هم اعتمادی به آنها نداریم. بنابراین، ما اوضاع را با دقت کنترل و مانیتورینگ می‌کنیم. در عین حال، در این رابطه، نگرانی‌های خودمان و هشدارهایی را که باید به آمریکا داده شود، به صراحت از طریق کانال‌های دیپلماتیک منتقل می‌کنیم و این یکی از کارهایی می‌باشد که به طور مستمر دارد انجام می‌شود. در ارتباط با سوال پرسیده شده درباره راهبرد ایران در قبال بازیگران سیاسی

غیردولتی باید گفت که بازیگران غیردولتی در منطقه شامل دو گروه می باشند: گروه‌های تروریستی و گروه‌های مدنی، مشروع و گروه‌های مرتبط با جریان‌های مقاومت. جمهوری اسلامی با گروه‌های تروریستی هیچ گونه ارتباطی ندارد و هیچ گونه راهبردی هم برای همکاری با آنها ندارد. راهبرد ما در قبال این نوع بازیگران مبارزه جدی با آنها است. همچنین، گروه‌هایی که با ما ارتباط دارند و یا کشورهای که ما در آنها نفوذ داریم، ضمن ارتباط رسمی با آن کشورها، به طور آشکار و علنی با همه گروه‌های سیاسی آن کشورها به عنوان وظیفه رسمی دستگاه دیپلماسی ارتباط داریم. در یمن، ارتباط ما با همه گروه‌ها و احزاب یکسان است. با حوثی‌ها هم ارتباط داریم. راهبرد ما در هر ارتباطی طبیعتاً تأمین حداکثری امنیت و منافع ملی مان و در عین حال، نگاه به صلح و ثبات منطقه است. در این چارچوب، هر اقدامی که افراط‌گرایی را در منطقه کاهش دهد و منطقه را به سمت "تصمیم‌گیری‌های دسته جمعی" سوق دهد، به طوری که بازیگران متعدد داخلی در آن نقش داشته باشند، می‌تواند مورد توجه و حمایت ما باشد.

**سوال:** امید عرب زاده هستم دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. با توجه به اینکه شما گفتید که از قبل، همه چیز را داشتید کنترل می‌کردید، چرا ورود داعش به عراق و تصرف سه روزه موصل توسط این گروه را نتوانستید پیش‌بینی کنید؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** همان طور که در ابتدا، اظهار کردم شناخت‌زدگی، سرعت و غیرقابل پیش‌بینی بودن از ویژگی‌های تحولات اخیر منطقه است. داعش به عنوان یک جریان در مانیتورینگ [زیر نظر] جمهوری اسلامی ایران بود. اما این اتفاقی که افتاد، حتی برای آنهایی هم که طراحی می‌کردند، قابل پیش‌بینی نبود. چون جنس این اتفاق اصلاً متفاوت از چیزی بود که بعدها به عنوان داعش شناخته شد؛ حرکتی که یک سال و نیم پیش، در عراق شکل گرفت، در ابتدا، به صورت چادرهایی در میادین برخی استان‌های سنی‌نشین عراق - به سبک چادرهایی که در میدان التحریر قاهره نصب می‌شد - بود. یک جریانی هم در پشت آن قرار داشت. بعد، این حرکت به افراط‌گرایی کشیده شد که نمونه بارز آن در جریانی مثل داعش نمود پیدا کرد. کاری که در عراق انجام و به اسم داعش تمام شد، چند حلقه داشت: ماه‌ها بر روی حلقه اول کار شده بود و در ایران هم مورد رصد بود. در این حلقه قرار بود جریان اهل سنت ناراضی، جریان نقشبندی، عزت ابراهیم‌الدوری، بقایای بعثی-های موجود در عراق، جریان‌های تروریستی و به طور مشخص، جریان تروریستی داعش با همدیگر عمل کنند، اما داعش بخش‌بخش و کشتارها را انجام بدهد. همچنین، قرار بود که بعد از شکل‌گیری این بخش و انجام کار،

بعثی‌ها و جریان‌ها دیگر سوار بر ماجرا شوند. اما همان روزهای اول، میان آنها اختلاف و درگیری پیدا شد و مسلحانه به جان همدیگر افتادند. حلقه دوم این توطئه، برخی کشورهای منطقه بودند. کشورهای منطقه که در پی تغییر اوضاع در سوریه و عراق بودند، از این حلقه داخلی و بازیگران داخلی حمایت می‌کردند. حلقه سوم، بازیگران فرامنطقه‌ای بودند که نقش و سهم خود را در این ماجرا داشتند. در هر سه حلقه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تعدادی به عنوان بازیگر فعال، تعدادی دارای نقش‌آفرینی‌های حد وسط و تعدادی نیز فقط نظاره‌گر بودند که جریان به کدام سمت می‌رود تا با جریان پیروز همراه شوند. ما نسبت به اتفاقاتی که در جریان بود اطلاعات کافی را در اختیار داشتیم اما در این خصوص که ارتش عراق در موصل به این شکل در چارچوب خیانت شکل گرفته سقوط کند، این جمع بندی وجود نداشت. بعدا برخی از افرادی ارتش عراق در موصل که خود را به بغداد رساندند - نمی‌خواهم بگویم فرماندهان آنها از چه نژادی بودند - گفتند که از صبح آن روز، مثل اینکه آنها منتظر بودند که کسی بیاید و از آنها استقبال کند. از وحشت، پرچم، فرم، تبلیغات و فضایی که داعش داشت، برای این کار استفاده شد. تعبیری که مقام معظم رهبری داشتند، این بود که ما کمر داعش را شکستیم؛ ما یعنی ما و عراق. حضرت آقا فرمودند که عراقی‌ها کمر داعش را شکستند. من اضافه کنم که واقعا ما به عراقی‌ها کمک کردیم. از پنج ساعت بعد از بحران موصل، اولین کشوری که هم در سطح مستشاری و هم در چارچوب‌های حقوقی و بین‌المللی به عراق کمک کرد، ایران بود. علت موفق شدن عراق با وجود آشفتگی‌ایی که در عراق ایجاد شده بود، اطلاعات دقیق و درست در داخل ایران بود که موجب شد شبکه‌های آنها به سرعت منهدم شوند.

**سوال:** کامران کرمی هستم روزنامه‌نگار و پژوهشگر مسائل خلیج فارس در مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. تقریبا در این دو سال، شاهد هیچ گونه اقدام ملموسی برای گسترش روابط میان ایران و عربستان سعودی نبوده‌ایم. آیا در سفر شما به عربستان و همچنین دیدار دکتر ظریف با سعود الفیصل، بحثی راجع به گسترش روابط میان دو کشور شده است؟ اقدامات ملموس ایران در گسترش روابط با عربستان سعودی چه بوده‌اند؟

**دکتر حسین امیرعبداللّهیان:** عربستان سعودی یک کشور مهم در منطقه است. سیاست‌های ما و عربستان سعودی در برخی از حوزه‌های منطقه‌ای مقابل یکدیگر قرار دارد که این نه به نفع جهان اسلام است و نه به نفع صلح و ثبات در منطقه. جمهوری اسلامی ایران به ویژه دولت یازدهم - از ابتدای روی کار آمدن آقای

روحانی - هم در سطح رئیس جمهور و هم در سطح وزیر امور خارجه همواره سعی کرده است که سیگنال‌های مثبتی را به عربستان سعودی بدهد. به دلایل متعدد، در این مقطع، شرایط فراهم شد تا تهران و ریاض بتوانند گفتگوهای جدیدی را شروع کنند. ما در خصوص برخی مسائل منطقه‌ای گفتگوهای اولیه‌ای داشته‌ایم. درباره اصول و چارچوب‌ها به یک توافق و جمع بندی رسیده‌ایم، اما برای انجام گفتگوها و توافقات بیشتر به زمان نیاز داریم. صرف نظر از مخالفت‌های داخلی، ملاقات‌ها و ارتباط‌هایی که در همین حد در حال انجام شدن هستند، تاثیرات مثبت منطقه‌ای خود را برجای می‌گذارد. تهران و ریاض می‌توانند نقش مهم منطقه‌ای برای مقابله با افراط‌گرایی و بازگشت صلح و امنیت به منطقه را ایفاء کنند. مهم‌ترین موضوعی که در گفتگوهای ایران و عربستان سعودی مطرح است، این است که وضعیت به وجود آمده در برخی از کشورهای منطقه، بازیگری تروریست‌ها و همچنین مداخلات خارجی در منطقه مدیریت شود و تهران و ریاض باید نقش و سهم مهمی در این رابطه داشته باشند.

**سوال:** علی زینی وند هستم دانشجوی دکتری روابط بین الملل از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. آیا ایران می‌خواهد در مبارزه با داعش با آمریکا همکاری کند تا از این طریق بتواند برخی از مسائل خود را با ایالات متحده حل کند؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** پیش از پاسخ به این سوال باید به نکته‌ای مهم اشاره کنم. داعش یک جریان ایدئولوژیک است، اما "بخشی" از آن؛ یعنی زمانی صحبت از داعش به عنوان "نسل چهارم جریان القاعده" می‌شود و زمانی دیگر، صحبت از داعش "به طور ملموس" می‌شود؛ یعنی هنگامی که فرمانده داعشی در سوریه یا عراق دستگیر می‌شود و مورد بازجویی قرار می‌گیرد که آیا نگاه وی ایدئولوژیک است یا سودجویانه و فرصت طلبانه؟ وی مزدور است و حقوق گرفته است. واقعا هسته مرکزی جریان داعش ایدئولوژیک است ولی هر کسی که جامه‌ای سیاه پوشید، داعش نیست؛ داعش به معنای ایدئولوژیک آن نیست. برداشت ما از مجموعه یافته‌هایمان این است که دستگاه‌های امنیتی در منطقه و خارج از منطقه به روشنی تلاش می‌کنند تا از این جریانات در راستای اهداف خود استفاده کنند. فرماندهان و رهبران داعش هم با علم به اینکه از آنها سوء استفاده می‌شوند، اجازه سوء استفاده از خود را می‌دهند. آنها در بحث‌های خصوصی خود می‌گویند در این میان، سودی که عاید ما می‌شود، خیلی زیاد است. در جلسه‌ای در یکی از کشورهای منطقه، آنها بحث می‌کنند که دستگاه‌های امنیتی هر اقدامی را در رابطه با ما می‌خواهند انجام دهند، انجام بدهند. اما ما بالاخره

توانستیم خلافت اسلامی‌مان را اعلام کنیم؛ بالاخره، ما توانستیم نفت سوریه را در گوشه‌ای تصرف کرده صادر کنیم؛ ما توانستیم میلیون‌ها دلار را از بانک‌های موصل خارج کنیم و در راستای اهداف ایدئولوژیک خود، کار را دنبال کنیم. لذا، وقتی صحبت از داعش می‌شود، هم نگاه ایدئولوژیک و افراط‌گرایانه آنها مدنظر است و هم نگاه فرصت‌طلبانه‌شان.

در ارتباط با سوال پرسیده شده باید گفت که پاسخ ما به آن منفی است. به دلیل اینکه ما در ارتباط با مسائل متنوعی از جمله موضوع هسته‌ای، نسبت به آمریکا بدبین هستیم. تا آمریکایی‌ها حسن اعتماد خود را به جمهوری اسلامی نشان ندهند، اصلاً اعتماد نداریم که در موضوعات دیگری وارد شویم. به همین دلیل است که تیم هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در خصوص موضوعات منطقه‌ای گفتگو نمی‌کند.

در حوزه عربی، برخی از متفکرین می‌گویند اگر مذاکرات هسته‌ای ایران و 5+1 به نتیجه برسد و در کنار آن نیز ایران و آمریکا در موضوعات منطقه‌ای توافق کنند، مصیبتی بزرگ خواهد بود. گفته می‌شود که عده‌ای، به این دلیل نگران هستند. گروهی دیگر در جهان عرب می‌گویند اگر مذاکرات هسته‌ای به نتیجه برسد اما در ارتباط با مسائل منطقه‌ای نتیجه‌ای حاصل نشود، آن سودی برای منطقه به همراه نخواهد داشت. در واقع، هر دو نگاه متعارض، با نوعی نگرانی مشترک همراه است. ما هنوز در مذاکرات هسته‌ای با گروه 5+1 و به طور مشخص، با آمریکا به جمع‌بندی روشنی نرسیده‌ایم که تیم مذاکره‌کننده ما اعلام کند که با رعایت استراتژی برد - برد این خروجی را داشته‌ایم. بنابراین، خیلی معقول نیست که با اقدام شتابزده آمریکا، در مبارزه با داعش در سوریه همراه شویم. وقتی که موصل سقوط کرد، ما به کشورهای عربی و غربی و به طور غیرمستقیم به آمریکایی‌ها گفتیم که به داد عراق برسید، ولی آنها گفتند ما عجله‌ای نداریم؛ بگذارید روند سیاسی تکمیل شود، بعد اقدامات لازم انجام خواهد شد. ما مجبور شدیم وارد شویم. همان موقع هم ما نیازمند آمریکا نبودیم ولی واقعا برایمان مهم بود که ببینیم آیا آمریکا، غرب و برخی از کشورها در ورای این تحرک تروریستی در عراق هستند یا نه. برای دستگاه‌های اطلاعاتی ما روشن بود که خودشان جزئی از برنامه هستند. آمریکا به دلیل ملاحظات خود تصمیم گرفته که نقاط کوری را مورد بمباران قرار بدهد. آنها دائماً اعلام می‌کنند که ما از ایران دعوت می‌کنیم تا در این ائتلاف با ما همکاری کند. در سطوح پنهان دیپلماتیک نیز در این رابطه به طور مرتب دارند پیام می‌دهند.

به دلیل وجود اتهامات جدی نسبت به رفتار آمریکایی‌ها، به آنها اعتماد نیست چون آمریکا در مبارزه با داعش حتی اگر صادق هم باشد، تمامی ساختارهای متعارف بین‌المللی را دارد دور می‌زند. ما به دوستان خود



در ائتلاف گفتیم که اگر این اقدام شما تبدیل به یک رویه بشود، فردا آمریکا همین اقدام را در قطر و اردن انجام خواهد داد. به دلیل پیچیدگی‌های موجود، ما اصلاً این مساله را فرصتی برای انجام کار مشترک با آمریکا نمی‌دانیم. ما در حال حاضر، درباره مهم‌ترین مساله یعنی برنامه هسته‌ای‌مان داریم مذاکره می‌کنیم. اگر آمریکایی‌ها در این رابطه حسن نیت خود را نشان بدهند، حتماً راه برای همکاری‌های بیشتر در چارچوب راهبرد برد - برد و با در نظر گرفتن سیاست‌های اصولی ما باز خواهد شد چرا که ما معتقدیم که مسائل منطقه در منطقه باید حل شوند؛ مسائل منطقه باید توسط "اهل منطقه" حل شوند. ما معتقد به این نیستیم که با آمریکا پشت پرده زد و بندی علیه کشورهای منطقه بکنیم. اهل منطقه "اولی‌ترین" برای حل مسائل منطقه هستند. بنابراین، اینکه گفته می‌شود ایران در گروه 5+1 با آمریکا راجع به حل و فصل مسائل منطقه‌ای دارد تباخی می‌کند، چنین چیزی اتفاق نیفتاده و قرار هم نیست که در هیچ سطحی، جمهوری اسلامی از سیاست‌های اصولی خود فاصله بگیرد. در چارچوب امنیت ملی، منافع ملی و امنیت منطقه‌ای، هر آنچه جمهوری اسلامی ایران به آن برسد که مصلحت هست انجام شود، در زمان مناسب خود انجام خواهد شد.

**سوال: حسین رحیبی، کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تهران، خواستم بپرسم با**

فروپاشی حلقه اخوانی در منطقه پس از سقوط مرسی و راشد الغنوشی، هم اکنون عمق راهبردی ترکیه چیست؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** ترکیه همچنان بر اخوان اصرار دارد. به همین دلیل، اردوغان در آخرین

سخنرانی‌اش در سازمان ملل هنگام صحبت از مصر می‌گوید در مصر، السیسی بر اساس کودتا روی کار آمد و ما مصر را به رسمیت نمی‌شناسیم. نگاه ترکیه به منطقه همچنان نگاه "نوعثمانی" در منطقه است. ترکیه نگاه‌های سیاسی و راهبردی خود را کماکان دارد دنبال می‌کند. اما ما در ارتباط با تحولات عراق و سوریه به صراحت به ترکیه گفته‌ایم که اقدامات شتابزده در این موضوعات حساس منطقه‌ای نمی‌تواند کمکی به حل مشکلات کند.

**سوال:** سمیه مروتی هستم، دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

علوم و تحقیقات تهران و پژوهشگر مهمان در این پژوهشکده. خواستم بپرسم عکس العمل ایران نسبت به احتمال ورود ترکیه به منطقه کوبانی سوریه که توسط داعش تصرف شده است، چه خواهد بود؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** ما به سهم خودمان هشدار جدی داده‌ایم که ترکیه یا هر کشوری که بخواهد زمینی وارد سوریه شود، با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. هرگونه خطای آمریکا و کشورها در نقض حاکمیت ملی سوریه در راستای اعمال منطقه ممنوعه پرواز یا ایجاد مناطق ممنوعه و مناطق حائل در سوریه و ورود نیروهای زمینی یک کشور خارجی، پیامدهای بسیار سخت، دشوار و آنی را در پی خواهد داشت.

**سوال:** (فهیمة قربانی هستم، پژوهشگر مقیم در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه. به نظر شما در حال حاضر، مهم‌ترین فاکتورهای موجود در عراق که موجب دورتر شدن ریاض و تهران و افزایش تقابل میان آنها می‌شود، کدامند؟ و آیا عواملی هم موجود هستند که بتواند در عراق باعث نزدیک شدن آنها و کاهش تنش میان آنها شود؟ و با توجه به روند تحولات موجود در عراق، چشم‌انداز روابط تهران و ریاض را چگونه ارزیابی و پیش‌بینی می‌کنید؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** آنچه روابط ما با عربستان سعودی را به سمت بهبودی یا بد شدن در مقاطع مختلفی سوق داده، خیلی در حوزه‌های دوجانبه نیست. بلکه، در عملکرد عربستان سعودی و رویکرد آن به منطقه است. شاید در حوزه‌های دوجانبه، ما کمترین مشکل را داریم. ما امیدواریم با گفتگوهای جدیدی که داشتیم و با حرف‌های مثبتی که از آقای سعود الفیصل شنیدیم، شاهد اقدامات مؤثر عربستان سعودی در مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه باشیم. فکر می‌کنیم که رویکرد عربستان در کنار انجام گفتگوهای منطقه‌ای میان دو کشور در آینده نقش مهمی را هم در بهبود و تلطیف روابط تهران و ریاض و هم در حل مشکلات منطقه‌ای خواهد داشت. به طور خاص، در عراق، در مقطع کنونی، دیدگاه‌های مشترک ایران و عربستان در حال تقویت است.

**سوال:** آیا جمهوری اسلامی ایران هیچ ابتکار عمل و پتانسیلی نداشت که از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک خود برای ائتلاف‌سازی علیه داعش استفاده کند؟ آیا واقعا در دستگاه دیپلماسی کشور راهبرد منسجمی در این زمینه وجود دارد یا خیر؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** صرف‌نظر از تبعات جنگ و خسارات ناشی از آن، در حال حاضر، عراق از دشمن فعال ما به متحد استراتژیک ما تبدیل شده است. در این رابطه، سال‌ها اقدامات متعدد و فراوان در سطوح مختلف نظام انجام شد. در سفر هفته گذشته به لبنان، ما به صراحت اعلام کردیم که می‌خواهیم به

ارتش لبنان در مبارزه با تروریسم کمک بکنیم. این بدان معنی نیست که ما به حزب الله از این پس، کمک نخواهیم کرد. اتفاقاً کمک‌هایمان به حزب الله با قدرت ادامه پیدا می‌کند. اما معتقدیم که ارتش لبنان وظیفه دارد که برای مقابله با تروریست‌ها و دفاع از کشورش عمل کند و از این رو، ارتش لبنان باید تقویت شود. یقیناً اگر حزب الله ببیند ارتش لبنان وظیفه خود را به خوبی دارد انجام می‌دهد، در حوزه‌های خاصی مانند امنیت ملی و مرزهای لبنان وارد خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران آن ائتلاف‌ها و نقش آفرینی‌هایی را که قادر بوده انجام دهد، طی سال‌های گذشته انجام داده است. نتیجه این شده که هم اکنون، برخی طرف‌های ما احساس می‌کنند که امروز جمهوری اسلامی ایران در منطقه برآمده است. اگر بیداری اسلامی در سه و نیم سال گذشته شکل گرفته است، نتیجه آن در جمهوری اسلامی ایران نتیجه مثبتی بوده است. در تحولات منطقه‌ای، آن کشوری که برنده بوده، ایران است.

**سوال: سلام، من از دانشگاه خوارزمی هستم. پرسش من این است که اخوانی‌ها به دنبال روی**

کار آوردن چه نوع حکومت‌هایی در منطقه بودند و چه رویکردی داشتند؟

**دکتر حسین امیرعبداللہیان:** اینکه اخوانی‌ها به دنبال چه نوع حکومت‌هایی بودند و آنها چه کاری

می‌خواستند انجام بدهند، بحث مفصلی است. جریان اخوان معتدل که نمونه بارز آن در یک مقطعی در مصر بود و بعد مرسی آن را به تندروی کشاند، واقعا به دنبال این بودند که در پی مبارزات ده‌ها ساله خود، یک نظام مبتنی بر قوانین اسلامی و دموکراتیک در مصر بنا کنند. بخشی از اخوانی‌های سوریه می‌توانستند اقدامات افراطی انجام دهند و در اصول، نگاه آنها با اخوان بین الملل و اخوان کل مشترک اما در روش متفاوت بود. اخوانی‌ها در کشورهای مختلف اصول مشترکی را دارند، نسبت به ساختارهای حاکمیتی تعهدات جدی دارند و معتقد هستند که این ساختارها را باید اصلاح کرد تا مردم منطقه بتوانند در مسیر جدیدی گام بردارند. صرفنظر از اینکه، مرسی شخصا اشتباهاتی را در مصر داشت، ما از اینکه می‌بینیم السیسی مخالف افراطگرایی در مصر، سوریه و تروریسم در عراق می‌باشد، خوشحال هستیم. اما از اینکه جامعه مصر همچنان به دو بخش تقسیم شده و مبارزان مصری در سیاهچال و زندان هستند، نگران هستیم. من در سفر خود به مصر و در گفتگوی خود با عمرو موسی که در معماری دوره جدید مصر نقش مهمی را دارد، این مساله را به وی به صراحت گفتم. اگرچه به خاطر احترام به رای آن بخشی از مردم جامعه مصر که به ایشان رای دادند، ما در مراسم تحلیف السیسی

شرکت می کنیم اما در عین حال، به صراحت هم می‌گوییم از اینکه جامعه مصر به دو بخش تقسیم شده و سیاست زندانی کردن‌ها و سرکوب کردن‌ها ادامه دارد، این را در شان مصر تاریخی و تمدنی - دینی نمی‌دانیم.

**سوال:** روح الله موسوی هستم، کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو گروه ترکیه شناسی در این پژوهشکده. یکی از شاخص‌های مهم تحولات خاورمیانه طی 3-4 سال گذشته، فعال شدن خرده فرهنگ‌ها و گروه‌ها است - اهمیت سطح تحلیل خرد. در ایران نیز پنج قومیت وجود دارند که امتدادشان در خارج از مرزهای ما است. در عین حال که آنها پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی را دارند، ممکن است تهدیداتی را برای کشور ایجاد کنند. آیا زمان آن نرسیده که ما از این پتانسیل‌ها در سیاست خارجی خود استفاده کنیم و تعامل جدیدی را به دیپلماسی نرم خود اضافه کنیم؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** من با نکته بیان شده در این سوال به عنوان یک رهنمود کاملاً موافقم.

**سوال:** طیبه دومانلو هستم، دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی در دانشگاه تهران و پژوهشگر مهمان در این پژوهشکده. خواستم بدانم مشکلاتی که در ارتباط با عملیاتی ساختن و پیشبرد استراتژی‌های ایران در منطقه وجود دارد، چیست؟ به عنوان مثال، آیا امکان پذیر است که مسائل منطقه‌ای بدون حضور کشورهای اروپایی و آمریکا حل شود، در حالی که منافع آنها در منطقه تأمین می‌شود؟

**دکتر حسین امیرعبداللهیان:** وقتی ما صحبت از این می‌کنیم که راجع به منطقه باید "اهل منطقه" تصمیم بگیرند، واقعا برنامه وجود دارد؛ این‌ها همه رویاپردازی نیست. ما باید میان "منافع و حضور نیروهای خارجی" و "مداخله و حضور ارباب مدارانه" آنها تمایز قائل شویم. ما می‌گوییم که حضور "هژمونیک و ارباب مدارانه" آنها باید به این سمت برود که اهل منطقه راجع به منطقه تصمیم بگیرند؛ اهل منطقه باید "نقش فعال" را ایفاء کنند. اینکه چقدر از آن نظری و چقدر عملی است، به صراحت می‌توانم بگویم «ما انجام دادیم، جمهوری اسلامی انجام داد و شد». به عنوان مثال، هنگامی که آمریکایی‌ها به عراق آمدند، چون این امر در تعارض با امنیت ملی ما بود، ما هر تلاشی را که می‌توانستیم انجام دادیم تا آنها در عراق نمانند که این مساله هم برای عراق مصیبت بود و هم برای ما که شاهد حضور نیروهای خارجی در کنار مرزهای خود باشیم. جمهوری اسلامی ایران این توان را دارد که امروز به بیش از پنج استان عراق برق بدهد که یک کالای استراتژیک است - می‌دهد. این‌ها همه رؤیاپردازی نیست؛ یعنی وقتی ما صحبت از این می‌کنیم که راجع به منطقه باید "اهل منطقه"

تصمیم بگیرند، واقعا برنامه وجود دارد. منافع و حضور کشورهای خارجی وجود دارد. اما یک وقتی "حضور نیروهای خارجی" مطرح است و یک وقتی "مداخله و حضور ارباب مدارانه" آنها. ما می‌گوییم که حضور "هژمونیک و ارباب مدارانه" آنها باید به این سمت برود که اهل منطقه راجع به منطقه تصمیم بگیرند؛ اهل منطقه باید "نقش فعال" را ایفاء کنند. اینکه چقدر از آن نظری و چقدر عملی است، بنده به عنوان کسی که در سطحی از تصمیم‌سازی-ها و در تحولات حساس و پیچیده خاورمیانه طی حداقل 20 سال گذشته حضور داشته‌ام، به صراحت می‌توانم بگویم که "ما انجام دادیم، جمهوری اسلامی انجام داد و شد." آمریکایی‌ها وقتی به عراق آمدند، همه می‌گفتند تمام شد، فاتحه عراق خوانده شد و هیچ اقدامی نمی‌توان انجام داد. ولی کار به جایی رسید که امروز، آمریکایی‌ها به طور غیرمستقیم و در هر فرصتی که پیدا می‌کنند، می‌گویند «ما می‌خواستیم در عراق بمانیم، با 170000 نیرو وارد عراق شدیم، کشته دادیم و خسارت دادیم اما جمهوری اسلامی ایران مانع شد که در عراق بمانیم». راست هم می‌گویند؛ یعنی وقتی آمریکایی‌ها می‌خواستند در عراق بمانند، چون در تعارض با "امنیت ملی" ما بود، ما هر تلاشی که می‌توانستیم انجام دادیم. دوستان ما در عراق نیز با برداشت دقیق و صحیح خود کمک کردند تا آمریکایی‌ها نه در داخل عراق بمانند که برای آنها مصیبت باشند و نه در کنار مرزهای ما بمانند که برای ما مصیبت باشند. ما حتما این سیاست را دنبال می‌کنیم. بنابراین، اینکه می‌گوییم عملی هست، قطعا این طوری نیست که یک شبه اتفاق افتد. مجموعه‌ای از مشکلات نیز وجود دارد که باید راهکاری برای آنها فراهم شود.

**دکتر کیهان برزگر:** ممنونم. با این پاسخ به انتهای جلسه می‌رسیم. به نظرم، بحث خیلی خوبی بود. تقریبا همه توانستند سوالات خود را مطرح کنند و به نوعی دیدگاه‌های مختلف هم مطرح شدند. از آقای دکتر امیرعبداللّه‌یان ممنونیم که به این جلسه تشریف آوردید. البته، از ایشان قول می‌گیریم که سال آینده نیز تشریف بیاورند. به نظرم، فراتر از تبادل دیدگاه‌ها، ویژگی مهم این نشست این بود که آقای دکتر با صبر و حوصله همه نکات شما را گوش کردند و به همه سوالات شما با علاقه پاسخ دادند. این نشان دهنده دو نکته است: نخست، علاقه ایشان به این مرکز و اینکه هر موقع، ما از ایشان درخواست کردیم تشریف آوردند و دوم، علاقه ایشان به جامعه دانشگاهی و دانشجویان.

جهت ارجاع دانشگاهی: فهیمه قربانی، "نشست مرکز مطالعات خاورمیانه با دکتر حسین امیرعبدالهیان معاون وزارت خارجه در مورد تحولات عراق و ائتلاف بین المللی علیه داعش"، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، 17 مهر 1393.